

تیرور گرسنگان در صف غذا توسط اسرائیل تیر خلاص غرب به ارزش‌های انسانی است، اما همچنان موج حمایت از مظلومان غزه در دنیا زنده است

**انسانیت مُرد، زنده‌هباد انسانیت**

فقطی، سلاحی که صهیونیست‌ها در یک سال و نیم گذشته علیه مردم غزه، به‌کار گرفتند، این روزها تبدیل به اصلی‌ترین ابزار جنگی رژیم در غزه علیه ساکنان فلسطینی آن شده است، گرسنگی اجباری بیش از ۹۰ درصد مردم غزه که در یک روز تنها می‌توانند، یک وعده غذایی بخورند که آن هم چیزی جز آب عدس یا نان خشک نیست، معنایی جز پیشبرد پروژه پاکسازی نسلی در نوار غزه ندارد. صهیونیست‌ها با خراب کردن کامل نوار غزه و حالا هم با تنگ‌تر کردن حلقه محاصره غذایی علیه دو میلیون ساکن بخشی از خاک فلسطین می‌خواهند فلسطینی‌ها را به ترک این سرزمین وادار کنند، همان هدفی که در یک سال گذشته آن را بر زبان آوردند و رئیس‌جمهور آمریکا هم در وصفش خیال‌بافی کرد. مصر وارد نوار غزه هم مرز هستدت برای ادامه این حلقه محاصره و ادامه جنایت جنگی علیه مردم غزه، همکاری می‌کنند، اما گویی اهمیتی ندارد که غیرانسانی‌ترین سلاح جنگی برای اجرای بزرگ‌ترین نسل‌کشی در دوران معاصر از جانب مدعیان قربانی هولوکاست اجرا می‌شود، مجامع جهانی همچنان به اظهار نگرانی و محکومیت اسرائیل روی کاغذ، ادامه می‌دهند. عجیب‌ترین بخش این جنایت جنگی آن است که در حالی که افکار عمومی جهان علیه این رفتار نژادپرستانه صهیونیست‌ها، سکوت نکردند و به هر روشی اعتراضشان را به انفعال دولت‌هایشان در مقابل این جنایت، نشان می‌دهند، مغزهای کوچک زنگ‌زده فارسی‌زبانان حامی رژیم صهیونیستی معتقدند که چون کودکان فلسطینی از همان کودکی دشمنی با اسرائیل را یاد می‌گیرند، کشتار آن‌ها، مشروع است.

### تصاویر، ظلم را فریاد می‌کشند

دومین محاصره شدید صهیونیست‌ها علیه مردم فلسطین، از دومین روز ماه مارس، آغاز شد. ۵ ماه از شروع این محاصره گذشته و صهیونیست‌ها همچنان اجازه نمی‌دهند، مواد غذایی وارد غزه شود. آن طور که الجزیره می‌گوید بیش از ۸۰ درصد نان‌وایی‌ها در غزه تعطیل شدند، تعطیلی‌ها فقط به خاطر نبود گندم نیست، بلکه به خاطر کمبود سوخت است که در روزهای محاصره از نان هم گران‌ترند. قیمت آرد در هر کیلوگرم به ۲۰ دلار رسیده است. مجامع بین‌المللی می‌گویند، بیش از ۵۰۰ هزار نفر در غزه در معرض قطعی کامل قرار دارند. شرایط برای کودکان تازه متولد شده در غزه فاجعه‌بار است، شیر خشک برای دادن به کودکان وجود ندارد و پرستاران مجبورند به کودکان آب جوش بدهند. سازمان جهانی بهداشت می‌گوید، از هر سه کودک در غزه، یک نفر دچار سوء تغذیه است، خانواده‌ها با یک وعده غذا در روز زنده هستند که چیزی بیش از عدس پخته یا نان خشک در روز نیست. اما برای درک جنباتی که در غزه در حال وقوع است، نیاز نیست به اعداد و ارقام در مجامع جهانی رجوع کرد. تصاویر به خوبی نشان می‌دهند که چه بر سر مردم غزه آمده است، چشمان گریان و صورت‌های رنگ پریده کودکانی که در محل توزیع غذا برای بقا می‌جنگند، فریادهایی که مادران فلسطینی بر سر اعراب بلند

«فرهیختگان» از دو جریان حاشیه‌ساز این روزها گزارش می‌دهد

# رادیکال‌ها از جان امر ملی چه می‌خواهند؟



علی مژزوعی

خبرنگار گروه سیاست

مفهوم «امر ملی» که در بیانات رهبر انقلاب مورد تأکید قرار گرفته، فراتر از اختلافات سیاسی، مذهبی و سلیقه‌ای به دفاع از هویت جمعی، استقلال کشور و نظام اسلامی اشاره دارد. در شرایطی که دشمنان خارجی از جمله رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، با ابزارهای نظامی، سیاسی و رسانه‌ای به دنبال تضعیف ایران هستند حفظ و تقویت امر ملی به‌عنوان یک ضرورت غیرقابل انکار مطرح می‌شود. بیانات رهبر انقلاب نشان می‌دهد این مفهوم، نعتها با ارزش‌های دینی در تضاد نیست، بلکه مکمل آن است و همه گروه‌ها، با هر گرایش سیاسی و مذهبی باید در حفظ آن مشارکت کنند. اقداماتی مانند دوگانه‌سازی‌های کاذب، بیانیه‌های تفرقه‌افکن، رفتارهای غیراستدلالی و اتهام‌زنی‌های بی‌منطق به این وحدت ملی آسیب می‌رساند و در راستای اهداف دشمنان خارجی عمل می‌کند.

عدم پایبندی برخی گروه‌های داخلی و همراهی آن‌ها با پروژه اختلاف‌افکنی تحمیل‌شده از دشمن خارجی این ضرورت را ایجاد کرده تا بار دیگر ضمن تشریح مواضع رهبر انقلاب مصادیقی از تقابل با این صورت‌بندی شفاف از امر ملی مرور شود.

### امر ملی در بیان رهبر انقلاب

رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان قوه قضائیه، مفهوم امر ملی را به‌صورت صریح و روشن تبیین کرده‌اند. ایشان با توصیف اتفاق رخ‌داده در ایران و شکل‌گیری انسجام داخلی در مقابل تهاجم دشمن به‌عنوان «امر ملی» تأکید دارند که اتحاد عظیم ملی با هدف دفاع از «ایران عزیز» و «نظام اسلامی» و «کشور» حفظ شود. به گفته ایشان: «افراد با جهت‌گیری‌های سیاسی گوناگون، با جهت‌گیری‌های سیاسی گاهی متقابل، با وزن مذهبی کاملاً متفاوت، در کنار هم ایستادند و این وحدت بزرگ را، این اتحاد عظیم ملی را به وجود آوردند. من حرقم این است، این را حفظ کنید.» این بیان نشان‌دهنده آن است که امر ملی یک مفهوم فراگیر است که همه گروه‌ها، با هر گرایش سیاسی یا مذهبی می‌توانند در آن سهیم باشند. این وحدت، به‌ویژه در شرایطی که دشمن خارجی هم‌زمان با اقدام نظامی به دنبال ایجاد آشوب و تفرقه در داخل است اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. رهبر انقلاب در این باره تأکید می‌کنند که حضور مردم در میدان با وجود تفاوت‌های ظاهری و فکری، نقطه مقابل اهداف دشمن بوده است: «خداوند نقشه آن‌ها را باطل کرد، این نقشه را خدای متعال باطل کرد. مردم را به پشتیبانی دولت، به پشتیبانی نظام وارد میدان کرد. وارد میدان؛ مردم وارد میدان شدند؛ اما درست در نقطه مقابل آن جهتی که دشمن محاسبه کرده بود و نقشه کشیده بود.»

یکی از نکات کلیدی در بیانات مکرر رهبر انقلاب، پیوستگی امر ملی و دینی است. ایشان در دوران دفاع مقدس، در پاسخ به پرسشی درباره دوگانگی دفاع از وطن و دفاع از اسلام، ضمن تأکید بر این نکته که این دو مفهوم در زمان دفاع مقدس بر یکدیگر منطبق شده‌اند می‌گویند: «بدون حفظ وطن چگونه می‌شود از اسلام دفاع

کرد؟» در نمونه به‌روز این تفکر علاوه بر بیانات صریح در دیدار با کارکنان قوه قضائیه درخواست از محمود کریمی برای خواندن «ای ایران» در مراسم شب عاشورا اقدامی نماندن از اتحاد بین ارزش‌های ملی و دینی محسوب می‌شود که مسیر هرگونه تعریف متعارض از امر ملی و دینی را حداقل برای کسانی که خود را به بیانات رهبر انقلاب معتقد می‌دانند، می‌بندد. جایی که سرودی در کنار مراسم مذهبی قرار می‌گیرد و هیچ تضادی بین آن‌ها ایجاد نمی‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که امر ملی نه‌تنها با ارزش‌های دینی در تضاد نیست، بلکه مکمل آن است و هر دو در راستای حفظ استقلال و هویت کشور عمل می‌کنند.

### وظایف گروه‌های مختلف در قبال امر ملی

رهبر انقلاب وظایف مختلفی را برای گروه‌های اجتماعی و سیاسی در حفظ امر ملی تعریف کرده‌اند. ایشان با اشاره به نقش روزنامه‌نگاران، قضات، مسئولان دولتی، روحانیون و انمه جمعه تأکید دارند که هرکس به نحوی باید در حفظ این وحدت ملی مشارکت کند. این وظیفه شامل تبیین حقایق، رفع مغالطات و پرهیز از جنجال‌های غیرضروری است. رهبر انقلاب تأکید دارند که وفاداری به‌نظام و حمایت از سیاست‌های کلی آن یک ضرورت است، اما این وفاداری نباید به معنای نادیده‌گرفتن اختلاف‌نظر‌ها باشد. بلکه باید از بزرگ‌نمایی اختلافات و تبدیل آن‌ها به دوقطبی‌های مخرب پرهیز کرد: «وفاداری به‌نظام به زبان، در زبان، در اظهار، این چیز لازم و مفیدی است. هم لازم است، هم مفید است. اما اینکه یک اختلاف‌نظر‌هایی وجود دارد بین افراد، این‌ها را غلبت کنید که این این مال فلان جناح است، این مال فلان جناح است، این حرفش این‌جوری است، نه، این مضرت است.»

### پروژه‌های خارجی ضد ایران

یکی از مصادیق فاحش مخمل امر ملی، اقدامات برخی چهره‌های سیاسی مانند میرحسین موسوی است. چند روز بعد از آنکه صدای توب‌های دشمن خوابید میرحسین موسوی در بیانیه‌ای خواهان تشکیل مجلس مؤسسان و رف‌راندوم قانون اساسی شد تا عملاً تغییر نظام سیاسی یعنی کاری که نتایها هو از طریق اقدام نظامی و تلاش برای آشوب در خیابان به دنبالش بود و موفق نشده بود را مطالبه کرده باشد که البته خیلی هم با واکنش مثبتی مواجه نشد و چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبان نیز به آن نقد وارد کردند. پس از آنکه این بیانیه با بازخورد خاصی مواجه شد ۷۰۰ نفر شامل چهره‌های سیاسی بازنشسته و چهره‌های ناشناخته طی بیانیه‌ای دیگر از بیانیه موسوی حمایت کردند تا در برابر صدای واحد انسجام ملی که ۱۲ روز پنجمه در پنجه دشمن مقاومت کرد یک صدای دومی بسازند. جالب اینجاست که در میان اسامی این بیانیه نام افراد فوت‌شده نیز وجود داشت که این موضوع شائبه پروژه بودن و امضا‌های گمده‌ای این بیانیه را به وجود آورد. یک روز بعد ترکس محمدی کسی که با حمایت‌های سیاسی توانست جایزه سیاسی صلح نوبل را دریافت کند از این بیانیه حمایت کرد تا خط و ربط‌های سیاسی پشت این بیانیه بیشتر روشن شود. این گروه هم‌راستا با اپوزیسیون خارج‌نشین با این کار تلاش کرد تا طر ف‌ربی را به تداوم تهاجم به ایران امیونار کند دارد. روز گذشته نیز سازمان مجاهدین در متنی که آن‌را به مسعود رجوی منسب کرده خواهان این شده است تا در شرایط فعلی کسی به بیانیه



فلسطینی می‌گوید در غزه مردم از گرسنگی در خیابان‌ها بر زمین می‌افتند. او این حرف را درست وقتی گفت که در حین ارائه گزارش در پخش زنده الجزیره، پیرزنی مقابل بیمارستان شفا به خاطر ضعیف ناشی از گرسنگی به زمین افتاد.

### طرح ژنرال‌ها با همراهی ترامپ پیش می‌رود

طرح ژنرال‌ها، اسم جنباتی است که این روزها در نوار غزه در حال وقوع است. این طرح را «گبورا الیوند» ژنرال سابق رژیم صهیونیستی ارائه کرد. برنامه نیز همان چیزی است که در حال حاضر اتفاق افتاده است، تخریب کامل غزه، آوارگی ساکنان آن، جلوگیری از ورود کمک‌ها و مواد غذایی و گرسنگی دادن به مردم عادی، قرار است تنها دوره مقابل آن‌ها قرار دهد: مرگ یا تسلیم. حمایت جدی رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه این پروژه نقش ویژه داشت. افزایش این محاصره علیه مردم غزه، قرار است یا به پاکسازی نسلی در غزه منجر شود یا آن‌ها را مجبور به ترک نوار غزه کند. تمام این جنایت‌ها در سایه سکوت و عدم واکنش جدی سازمان و مجامع بین‌المللی انجام شده است. آن هم در حالی که در سال ۲۰۲۱ اعضای سازمان ملل با این اصل موافقت کردند که غذا از حقوق اولیه انسان هاست، اما اکنون هیچ اقدام و واکنش جدی برای جلوگیری از ادامه این نسل‌کشی، انجام نشده است. بالاخره بعد از افزایش فشارهای افکار عمومی روز گذشته، ۲۵ کشور در بیانیه‌ای مشترک، خواستار پایان جنگ و دادن اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه شدند. در بخشی از این بیانیه آمده «اسرائیل باید اجازه دهد، سازمان ملل و نهادهای بشردوستانه غیردولتی، اقدامات انسان‌دوستانه‌شان را با امنیت و کارآمدی پیش بگیرند. پیشنهاد ایجاد شهر انسان‌دوستانه، برای اسکان فلسطینیان، غیر قابل قبول است، آوارگی اجباری دائمی، نقض آشکار قوانین بین‌المللی انسان‌دوستانه است.»

### دوگانه‌سازی‌های باطل داخلی

موسوی حمله نکند. البته چنین بیانیه‌ای وقتی بعد از چند روز تأخیر منتشر می‌شود نشان می‌دهد بیشتر از اینکه برای مهار انتقادات کارکرد داشته باشد یک دستور از بالا بوده تا دستور کار رژیم صهیونیستی برای آشوب قدرت حیات پیدا کند به همین دلیل نیز همه پروژه‌گیران اپوزیسیون باید به خط‌شده و این به انسجام واهی از جانب اسرائیل همانند منشور همبستگی که تا ریخ‌مصرفی چند روز دشت‌تن به‌بندد بنابر این بیانیه‌نویس اصلی متن ۷۰۰ نفره، تویت‌ترکس محمدی و موضع سازمان مجاهدین، نتایها هو است اما مریم رجوی آن را به مسعود رجوی منتشر می‌کند تا شخصیتی که سال‌ها می‌گفتند مرده را به یک‌باره زنده کرده و در رقابت با اپوزیسیون برای کسب سهم بیشتر از بوی خر داغ‌شده برنده شوند.

### دوگانه‌سازی‌های باطل داخلی

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که امر ملی را تهدید می‌کند، تلاش برخی افراد گروه‌ها برای ایجاد دوگانه‌های کاذب بین مفاهیم ملی و دینی است. به‌عنوان مثال وحید جلیلی، قائم‌مقام صداسوایم‌ها در برنامه تلویزیونی با ترسیم مرز بندی بین امر ملی و دینی و استفاده از عبارت «ملی گرایی آغلی» برای برخی گروه‌ها به این تفرقه دامن زد. این اقدام نه‌تنها ضرورتی نداشت، بلکه در تضاد با تأکیدات رهبر انقلاب بود که صراحتاً این گونه مرز بندی‌ها را رد کرده‌اند.

به همین ترتیب مهدی جمشیدی، یک ک‌نشگر سیاسی با حضور در شبکه چهار بار دیگر بر این دوگانه‌سازی تأکید کرد. این افراد بدون پاسخ به این پرسش اساسی که «بدون وجود مرز جغرافیایی به‌عنوان یک‌بستر تحقق حکومت‌دینی چگونه می‌توان از اسلام دفاع کرد؟»، به جداسازی این دو مفهوم ادامه می‌دهند.

برخی رفتارهای غیراستدلالی و تمسخرآمیز نیز به‌عنوان مصادیق امر «آغلی» شناخته می‌شوند. به‌عنوان مثال، انتشار اینفوگرافی‌هایی که منتقدان به محتوای مصاحبه رئیس‌جمهور با پادستر آمریکایی را با مقامات رژیم صهیونیستی همسان می‌سازند، یا حضور چهره‌های رسانه‌ای غیر متخصص در برنامه‌های تلویزیونی برای نقد تمسخرآمیز عملکرد فرماندهان نظامی شهید شده نمونه‌هایی از این رفتارها هستند. رهبر انقلاب این گونه اقدامات را به‌عنوان «بی‌صبری» و رفتارهای مضرت معرفی کرده‌اند: «جوان‌ها شور و هیجان دارند، این چیز خیلی خوبی است، این چیز خیلی لازمی است، اما بی‌صبری مضرت است. اینکه بی‌صبری کنند، هی یا به زمین بگویند که آقا چران‌شد، چران‌کردید، چرا اقدام نشد، فلان، این مضرت است.»

اتهام‌زنی‌های غیر منطقی مانند اتهام کودتا به رئیس‌جمهور از مسوی یک نماینده مجلس یا حملات غیراخلاقی به چهره‌هایی مانند سعید جلیلی یا حمله حامیان همین چهره به علی لاریجانی نیز از دیگر مصادیق مخمل امر ملی هستند. حمله یک رسانه به علی لاریجانی با تعبیری مانند «شیاد سیاسی» به دلیل حضور او در مراسم آیین حسینی نشان‌دهنده ترس از توسعه سیاسی و تلاش برای انحصارگرایی و تخریب وحدت ملی است.

### چگونه بحران‌زی نباشیم

رهبر انقلاب به‌صراحت تأکید دارند که بر برخی اقدامات، مانند جنجال‌سازی بر سر مسائل کوچک یا بزرگ‌نمایی اختلافات، به‌وحدت ملی آسیب می‌رساند: «ایراد‌های

### مغزهای کوچک زنگ‌زده فارسی‌زبانان حامی رژیم

بعد از تنگ‌تر شدن محاصره غذایی در نوار غزه، تجمعات حمایتی از مردم فلسطین دوباره در خیابان‌های اروپا، به راه افتاد. در برلین، دانشجویان علیه این نسل‌کشی تجمع برگزار کردند و خواهان اقدام فوری برای توقف گرسنگی دادن به فلسطینیان شدند، مشابه این تجمعات در مونترال کانادا و استرالیا هم برگزار شد. در خیابان‌های فرانسه اما تجمع حمایتی علیه نسل‌کشی در غزه با سرکوب و برخورد پلیس همراه شد. در حالی که جوانان اروپایی در واکنش به نسل‌کشی در غزه تجمعات اعتراضی برگزار کردند، عجیب‌ترین واکنش حمایتی علیه این نسل‌کشی در فلسطین را فارسی‌زبانان حامی رژیم صهیونیستی از خود نشان دادند. بلاهت برخی از این افراد در حمایت از جنایات رژیم، تعجب مهدی حسن، خبرنگار الجزیره را هم برانگیخت. حسن در گفت‌وگو با یک دوتایبعی‌تی ایران – آمریکایی که از موافقان رژیم است، در واکنش به مؤثر بودن حمایت ایران از حماس می‌گوید که حداقل ۱۲ سال پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی در حال کشتار مردم فلسطین در نوار غزه بود. مدافع فارسی‌زبان رژیم استدلال‌ش را این طور ادامه داد: «پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، بحران شروع شد چراکه جمهوری اسلامی از فلسطینی‌های به اصطلاح بی‌گناه برای منافع خودش استفاده کرد.» حسن از او پرسید «فلسطینی‌های به اصطلاح بی‌گناه؟ تو باور نداری که فلسطینی‌ها بی‌گناه هستند؟» او هم می‌گوید «نه همه آن‌ها» حسن می‌گوید «تو فکر می‌کنی ۱۷ هزار کودک بی‌گناهی که کشته شدند، بی‌گناه نبودند؟» و نهایتاً فارسی‌زبان حامی رژیم به این نکته می‌رسد که این کودکان از ستین کم برای دشمنی تربیت می‌شوند و به این کشتار مشروعیت می‌دهد. البته این حامی رژیم، همانطور که حسن اشاره می‌کند، تاریخ را دقیق نخوانده، سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب، ظلم به مردم فلسطین شروع شد و حتی محمدرضا پهلوی نیز کمک‌های مالی برای حمایت از مردم فلسطین انجام داد. در میان جامعه و روشنفکری غرب، کمتر فردی پیدا می‌شود که می‌تواند جنایات صهیونیست‌ها را انکار کند و یا حتی در مقابل آن سکوت کند. در یک سال و نیم گذشته این موضوع به وضوح روشن بود که حتی چهره‌های دانشگاهی که علاقه‌ای به مقاومت نداشتند، توانستند در مقابل این جنایت غیرانسانی سکوت کنند، این واکنش حتی مقامات دولت‌هایی که ارتباطات دوستانه‌ای با رژیم صهیونیستی داشتند را وادار به محکوم کردن و واکنش نشان دادن به این جنایت غیرانسانی کرد. اما در میان این روشنفکران، تنها فارسی‌زبانان خارج‌نشین هستند که عنادشان با نظام سیاسی ایران و البته فاند‌های پروپیمان رژیم صهیونیستی آن‌ها را به حمایت بی‌چون و چرا و کور از رژیم صهیونیستی سوق داده است. آن‌ها به گونه‌ای کودکان مظلوم فلسطینی را شبه‌نظامیان خطرناک می‌خوانند که در مقام مقایسه مواضع حمایتی‌شان از نژادپرست‌های صهیونیسم ساکن در سرزمین‌های اشغالی نیز پیشی می‌گیرد، مغزهای کوچک زنگ‌زده فارسی‌زبانان حامیان رژیم، آن‌ها را به نقطه‌ای رسانده که اگر رژیم بگوید آسمان سیاه است، هزار استدلال و دلیل برای قطع نشدن فاند‌هایشان جور می‌کنند تا بگویند اسرائیل راست می‌گوید.

غیرلازم‌را به میان کشیدن و در باره‌اش بحث کردن و روی مسائل کوچک جنجال کردن این مضرت است.» برخی افراد رسانه‌ها، به‌جای تمرکز بر دشمن خارجی، با اتهام‌زنی و دوگانه‌سازی، دشمن را در داخل تعریف می‌کنند. این رویکرد، دقیقاً در راستای اهداف دشمنانی مانند نتایها هو و ترامپ است که بار‌ها در ایام جنگ اخیر، به‌صراحت از ایجاد اختلاف و آشوب در ایران حمایت کرده‌اند. بسیاری از این اقدامات ریشه در فقدان استدلال و تکبیر تشویق گمده‌های سیاسی رفات‌محور دارند. رفتارهایی مانند تمسخر، اتهام‌زنی و جنجال‌سازی به‌جای هدایت این شور به سمت اهداف ملی، آن را به بی‌صبری و تفرقه‌سوق می‌دهد که م‌وکداً از جانب رهبر انقلاب نهی شده است. اما برخی گروه‌های بحران‌ز‌ی علی‌رغم بیانات صریح رهبر انقلاب همچنان به این خطوط جعلی ادامه می‌دهند و پس از آنکه با واکنش منفی مواجه می‌شوند، بیانیه ۸۰ مصفا‌های با ف‌ونت بزرگ منتشر می‌کنند و با چ‌ساعت‌ست بر نامه برای توجیه مواضع تک‌خطی غلطشان تدارک می‌بینند که فایده‌ای هم ندارد.

زمانی که یک موضوع روی آنتن زنده در ابعاد ملی منتشر شده و یا در یک رسانه ضریب داده می‌شود جریان شکافت‌را بهانه را پیدا کرده و روی آن مانور می‌دهد. این یعنی مواضع توجیهی در عمل کارایی ندارد ضمن آنکه در این مواضع توجیهی نیز به‌جای عقب‌نشینی از استدلال‌های غلط همان استدلال‌ها با جملات طولانی‌تری بسط‌داده می‌شود که این نشان‌می‌دهد چنین مواضع گری‌هایی هم به‌خاطر جزم‌اندیشی‌های گمده‌ای بوده و هم با هدف کسب منافع سیاسی انحصاری گروه‌های بحران‌ز‌ی ضریب داده می‌شود؛ چرا که این گروه‌ها اگر پروژه دشمن‌کاری نتایها هو را هم ندیده باشند لا‌اقل بیانات صریح رهبر انقلاب و تأکیدات او بر ملی را شنیده‌اند و دیگر دلیلی برای تداوم دوقطبی وجود ندارد مگر آنکه تداوم حیات سیاسی انحصاری‌شان در گروی تولد و رشد دوقطبی‌های مضرت باشد.

### همبستگی‌های ملی نمادهای دیگری هم داشت

برخی ممکن است همبستگی ملی را مفهومی بدانند که صرفاً در موقعیت‌های بحرانی نمود عینی پیدا می‌کند؛ اما ساحت و ورزش سال‌هاست که جل‌وای واضح از همین موضوع است. این در حالی است که پروژه تحریم ورزش ایران و همچنین ملیت‌زدایی از آن جزء دستور کار‌های اصلی اپوزیسیون است و چه‌ساعت‌ای این هویت ملی در ورزش را مهم‌ترین عامل بازدارنده در شکستن انسجام ملی می‌دانند. در چنین شرایط مردم ایران در هر بزگناه ورزشی این همبستگی را به رخ کشیده‌اند. جدیدترین نمونه آن نیز مسابقات اخیر لیگ جهانی و لیبال است. جایی که پس از چند سال افت تیم ایران شمالی از اح‌وای یک نسل موفق دیگر نشان داد و تا دقایق پایانی نیز جز مدعیان صعود به مرحله نهایی بود. در چنین شرایطی مردم ایران که پس از افت چندساله کمتر رغبت به پیگیری مسابقات پیدا کرده بودند با مشاهده تلویج و به‌رشد نسل جوان تیم ملی و مربی با انگیزه و پرشوری که خطرات ولاسکوئی از ژانته‌تی را برای ایران زنده می‌کرد بار دیگر چشمشان را به اخبار نتایج تیم ملی دوخته بودند تا هم جل‌وای دیگر از همبستگی ملی را آفریده باشند و هم این پیام را به طرف خارجی بدهند که پروژه‌های ضد ایرانی‌شان حتی به‌اندازه از موضوعیت انداختن ورزش ملی هم کارایی نداشته است چه برسد به خود ایران و مرز‌های جغرافیایی و فرهنگی گسترده‌اش.